

دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵، صص ۴۲-۶۱

بررسی تاثیر حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر جهرم

در سال ۱۳۹۴

محمدرضا شریعتی منش^۱

چکیده

حاشیه نشینی به عنوان یکی از معضلات شهری و تحت تاثیر قرار دادن امنیت اجتماعی بویژه فراهم کردن بستر لازم برای ارتکاب جرایم همواره مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده است. تحقیق پیش رو با هدف بررسی تاثیر حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر جهرم در سال ۱۳۹۴ انجام پذیرفت جامعه آماری این تحقیق را کلیه شهروندان مناطق حاشیه نشین چهارطاقی، سنگ اشکن، رشید آباد و نظام آباد شهرستان جهرم ۱۳۹۴ تشکیل می دهند که از طریق فرمول کوکران به حجم نمونه ۳۶۸ نفر رسیدیم. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که آلفای پرسشنامه (۳۵ پرسشنامه) متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) ۷۸ درصد و آلفای پرسش نامه به طور کلی ۸۱ درصد بدست آمد. در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. که نتایج آزمون تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای موثر توانسته اند بر امنیت اجتماعی شهروندان با ضریب تعیین^a ۰/۸۳۲ درصد تغییرات موجود را پیش بینی کنند. همچنین متغیر نداشتن شغل رسمی افراد با بتای ۰/۷۶۸ درصد و متغیر درآمد ناکافی افراد با بتای ۰/۱۱۹ درصد و متغیر رواج اعتیاد در مناطق با بتای ۰/۳۰۱- درصد و متغیر نابرابری های اقتصادی با بتای ۰/۶۴۱ درصد و متغیر نابرابری های اجتماعی با بتای ۰/۶۵۶- درصد و متغیر در دسترس بودن مواد مخدر با بتای ۰/۱۸۲ درصد بر امنیت اجتماعی شهروندان تاثیر گذار است. که بیشترین تاثیر را نداشتن شغل رسمی افراد داشته است.

کلید واژه: حاشیه نشینی، احساس امنیت، امنیت اجتماعی، جهرم

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۱۸

مقدمه

از دیرباز ثابت شده است که تبهکاری در شهر به نسبت تبهکاری در روستا خیلی بالاتر است. مطالعه نواحی و مناطق حاشیه نشینی و سکونت گاه های غیررسمی که از آن تحت عنوان چالش شهری نام می برند، از جمله مباحث و موضوعاتی است که در صدر مسایل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جهان، به ویژه در ممالک در حال توسعه است. حاشیه نشینی و اسکان غیررسمی، مسأله ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده و توافقی بر بقای باز تولید و بسط آن وجود دارد که حاکی از عدم کفایت راه حل ها و سیاست های متداول شهری است و رهیافت ها و اقدامات نوینی را می طلبد. (صرافی، ۱۳۸۱).

بیان مسئله

موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده. اینکه جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد مورد پذیرش همه است. از آنجا که حاشیه نشینی خاص کشور ایران و شهر جهرم نیست، تلاش های مربوط به حل آن سابقه زیادی دارد. این تلاشها را می توان بصورت یک پیوستار در نظر گرفت که در یک سوی آن نادیده گرفتن و تلاش برای نابودی و پراکنده کردن این اجتماعات است و در سوی دیگر تلاش برای ارائه مسکن، امکانات و شرایط زندگی به آنان است. حاشیه نشینی را می توان یک مساله و عارضه شهری بشمار آورد که منبع اصلی بزهکاری و جرم است. افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می گردند. آمارها نشان می دهد بخش عمده ای از جرایم و آسیب های اجتماعی شهرها با محلات حاشیه نشین در ارتباط است. و ضریب امنیت اجتماعی پایینی را داراست. حال این سوال پیش می آید. (محسنی، ۱۳۸۷) چه عواملی باعث تشدید آسیب های اجتماعی و تهدید امنیت اجتماعی در محلات حاشیه نشین شهر جهرم می شود؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

به جهت بافت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نقاط حاشیه نشین شهر جهرم انواع جرایم و در نتیجه پایین بودن امنیت اجتماعی را شاهد هستیم. چرا که مهمترین مشخصه نقاط حاشیه نشین، وقوع جرایم و در نتیجه تهدید امنیت اجتماعی می‌باشد. با توجه به وضعیت کنونی جامعه شهری ایران، پدیده حاشیه نشینی یا اسکان غیر رسمی یکی از مهمترین معضلات اجتماعی شهری است. در تبیین کلی این پدیده اجتماعی - اقتصادی ناشی از علل ساختاری مانند نابرابری در فرصت ها، توزیع منابع، ثروت و درآمد جامعه می‌باشد که در فرآیند رشد و توسعه به شکل های عدم تعادل منطقه ای، شهری و روستایی ظهور کرده است. جامعه ناامن به هیچ عنوان توسعه پیدا نخواهد کرد. برای همین پیش نیاز توسعه در حوزه های مختلف انسانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، همین مقوله امنیت اجتماعی است. که نیاز هست به صورت همه جانبه در مناطق حاشیه نشین شهر جهرم مورد تحلیل قرار گیرد. (مهاجرین، ۱۳۸۷)

اهداف کلی:

- بررسی اثرات حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان

اهداف جزئی:

- بررسی رابطه بین نداشتن شغل رسمی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان.

- بررسی رابطه بین درآمد ناکافی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان.

- بررسی رابطه بین وجود خرده فرهنگ های خاص در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان.

- بررسی رابطه بین رواج اعتیاد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان.

- بررسی رابطه بین نابرابری های اقتصادی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان.

- بررسی رابطه بین نابرابری های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان.

- بررسی رابطه بین در دسترس بودن مواد مخدر در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

آیا حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

سوالات جزئی

آیا نداشتن شغل رسمی افراد در مناطق حاشیه نشین بر امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا درآمد ناکافی افراد در مناطق حاشیه نشین بر امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا وجود خرده فرهنگ های خاص در مناطق حاشیه نشین بر امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا رواج اعتیاد در مناطق حاشیه نشین بر امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا نابرابری های اقتصادی در مناطق حاشیه نشین بر امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا نابرابری های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین بر امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا در دسترس بودن مواد مخدر در مناطق حاشیه نشین بر امنیت اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات داخلی

حاج علی یوسفی (۱۳۵۱) «بررسی حاشیه نشین شهری» عنوان تحقیقی است که توسط حاج علی یوسفی به انجام رسیده است. هدف این پژوهش دست یافتن به راه حلهایی در زمینه حاشیه نشینی

در در کل کشور است. روش تحقیق مشاهده ای و مصاحبه با حاشیه نشینان بوده است. یافته ها نشان می دهد گروههای حاشیه نشینان بنا به شرایط برای ساختن مسکن از مصالح مختلفی مانند خشت و گل، چوب و حلبی استفاده کرده اند و بیشتر کودکان بیمار و به سوء تغذیه مبتلا هستند (یوسفی، ۱۳۵۱، بررسی حاشیه نشین شهری).

صالحی میرزیجرانی (۱۳۸۴) در مقاله ای تحت عنوان «آسیب شناسی شهرنشینی در ایران امروز» معتقد است که عوامل و زمینه های آسیب بیشتر ریشه در فقر دارد که خود ناشی از نابرابری اکولوژیکی، اقتصادی و فرهنگی و توزیع ناعادلانه ثروت در بین اقشار مختلف است (صالحی میرزیجرانی، آسیب شناسی شهرنشینی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵).

غلامرضا لطیفی (۱۳۶۰ و ۱۳۷۲) آقای غلامرضا لطیفی نیز پژوهشی با عنوان «بررسی اجتماعی - اقتصادی حاشیه نشینی در شهر تهران در طی سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۷۲» انجام داده است. هدف این تحقیق عبارت است از: شناخت، فاکتور انطباق و سازش ساکنان با محیط مسکونی شان است. از فرضیه های این تحقیق رابطه شغل با حاشیه نشینی و رابطه مهاجرت و حاشیه نشینی می باشد. وی نتیجه گیری می کند که حاشیه نشینی معلول شهرنشینی شتابان و رشد اقتصاد شهری در شهرهای بزرگ کشورهای جهان سوم است.

تحقیقات خارجی

خاستگاه حاشیه نشینی، کشورهای صنعتی جهان است. بسیاری از شهرها معروف کشورهای پیشرفته جهان هنوز بخش محدودی از جمعیت خود را در میان زاغه ها، خرابه ها، گتوها نگهداری می کنند. براساس گزارش هیئات (سال ۲۰۰۰) سه میلیارد از ساکنان شهری در سراسر جهان در مناطق حاشیه ای شهرها زندگی می کنند (۲۳ تا ۸۵٪ جمعیت شهری طبق آمار سال ۱۹۸۶ کمیته اسکان بشر) و حسب مطالعات بعمل آمده توسط سازمان بهداشت جهانی ویونسف که در سال ۲۰۰۰ بر روی ۱۲۹ شهر بزرگ جهان انجام گردید رابطه مستقیم بین رشد بالای جمعیت با سطح و زمینه حاشیه نشینی کاملاً مشخص گردید. اما عارضه حاشیه نشینی در کشورهای جهان سوم به علت ساختار اقتصادی حاکم، نمود بیشتری دارد. زیرا دو گانگی در نظام اقتصاد سر ما یه داری به افراد کم در آمد، امکان سکونت در محلات مناسب و معمول تقاضای شهری را نمی دهد و آنان را به نواحی پست شهرها می راند و علاوه بر تأثیر نظام اقتصادی، شرایط طبیعی حاکم بر کشورهای مختلف نیز، موجب پیدایش انواع مسکن نا متعارف با اشکال گوناگون آن گردیده و بر حسب سیمای ظاهری، نامهای متفاوتی را در ادبیات حاشیه نشینی جهان بوجود آورده است. از جمله می

توان به « کبراد» کارکاس در ونزوئلا، « بیدون ویل » پاریس در فرانسه، « سلوم آریا » لندن در انگلستان، گتونسینان هارلم نیویورک در آمریکا، شتی تاون آمریکای جنوبی، مترونشینان در شهرهای اروپایی، زورق نشینان هنگ کنگ، خانه بدوشان کلکته در هندوستان و سایر بنادر تجاری آسیای جنوب شرقی اشاره نمود. همچنین می توان زاغه نشینان فلسطینی در کنار پل زینبیه دمشق (سوریه) را ذکر کرد (فرید، ۱۳۸۶). در کشورهای جهان سوم نیز از یک سو اجرای برنامه های استعماری جدید که تحت عناوین مختلف در راستای فروپاشی ساختار اقتصادی - اجتماعی مطرح بوده به گونه ای عمل کرده که یکی از پیامدهای آن مهاجرت فزاینده روستائیان به شهرها و رشد لجام گسیخته آنها بوده است. از دیگر سوی، عدم توانایی برخی دولتها، در تامین فرصتهای شغلی و نیازهای اقتصادی جمعیتشان، موجب گردیده است که بین رشد شهرها و توسعه اقتصادی، هیچگونه تعادل وجود نداشته باشد و بدنبال توسعه شهری، نابسامانی های در محیط زیست شهری بوجود آید که یکی از آنها پدیده «حاشیه نشینی» است (شکوئی، ۱۳۶۷).

دیدگاه ها و مبانی نظری

رهیافت های نظری مرتبط با مطالعه حاشیه نشینی عبارتند از: دیدگاه های ساختارگرا، رهیافت لیبرالی، نگرش رادیکال، دیدگاه وابستگی، نگرش سیستمی، پارادایم اقتصاد سیاسی (صالحی امیری و خدائی، ۱۳۹۰).

در دیدگاه ساختاری پیدایش حاشیه نشینی معلول الگوی کلان توسعه کشورهاست. در رهیافت لیبرالی حاشیه نشینی عمدتاً بر جنبه های اجتماعی، فیزیکی و اعتقادی پدیده استوار است. در رهیافت وابستگی ضمن نقد الگوی توسعه وابسته و برون زا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون در کشورهای در حال توسعه و به موازات آن رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می یابد و عدم تعادل های ساختاری جامعه شدت می یابد و برآیند عملکرد توسعه ای وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه های حاشیه نشین شهری است (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۴-۱۸۸). دیدگاه رادیکال حاشیه نشینی و پیدایش گروه های حاشیه ای و فقیر در جامعه های شهری کشورهای در حال توسعه را نشأت گرفته از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه می داند. براساس این دیدگاه در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ اجتناب ناپذیر است. رهیافت اقتصاد سیاسی به شهر که آثار دیوید هاروی و کاستلز در این دسته قرار می

گیرند فضا و عدالت و توزیع منابع را با توجه به روش های اقتصاد سیاسی تحلیل می کنند (نقدی، ۱۳۹۲: ۱۹).

مبانی نظری

صاحب نظران معتقدند میزان جرایم شهری با درجه توسعه شهری در رابطه است. به موازات جمعیت شهری، میزان جرایم بالا می رود. (شکوئی، ۱۳۶۵: ۱۰۲) به نظر رابرت پارک، تراکم و تحرک جمعیت (از ویژگی های بارز شهر) مترادف با حضور جرم، طلاق و اختلافات روانی است و شاخص مناسب اندازه گیری آن آنومی است. رشد شهرها مساوی است با جایگزین روابط غیر مستقیم و ثانوی به جای روابط مستقیم و چهره به چهره.

بر پایه نظریه پارک، شهر بهترین مکان برای ظهور بی سازمانی است، بخصوص به واسطه خللی که به زندگی خانوادگی و روابط همسایگی یعنی به پاسداری عادت و سنن وارد می آورد. پارک (و همکاران وی) دست یافتند که: ۱- شهر مملو از جمعیت و تنوع فرهنگی است، ۲- جامعه شهری فاقد نظام اجتماعی همگون و یگانه است، ۳- فاصله طبقاتی در شهر بسیار زیاد است، ۴- شهر از نرخ بالای مهاجرین برخوردار است و ۵- در شهر میزان جرایم بالا است. کلینارد اظهار می دارد زاغه نشینی^۱ بر اثر رشد شهرها به وجود می آید. انحرافات و بزهکاری در مناطق حاشیه ای زیاد است و حاشیه نشینی منبع اصلی جرم و جنایت است.

ویرث^۲ (۱۹۳۸) کوشیده است تا نشان دهد که تغییرات و الگوهای تجمعات انسانی معلول سه عامل اندازه^۳، تراکم^۴ و ناهمگونی^۵ است. افزایش در تراکم، روابط فیمابینی افراد^۶ را کاهش داده و منجر به افزایش آزادی های فردی می شود و این وضعیت بر نابسامانی اجتماعی و جرم اثر می گذارد. مطالعه برنارد لندر^۷ نشان می دهد که در مناطق دارای جمعیت ناپایدار، میزان بی سازمانی اجتماعی بیشتر است. جمعیت ناپایدار از ویژگی های مناطق حاشیه نشینی است.

کنله، فیزیکدان و منجم بلژیکی به کمک اعداد و ارقام، همبستگی و ارتباط محیط جغرافیایی و جرم را نشان داد. به اعتقاد وی، جرایم ارتكابی در یک جامعه و نوسانات متناوب آن مانند یک تابع ریاضی وابسته به تغییرات شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان و مکان می باشد (Anselin, ۲۰۰۰).

1. Slum
2. Wirth
3. Size
4. Density
5. Heterogenous
6. Interpersonal
7. B.Lander

به زعم گسن^۱ بیشترین تبهکاری شهر مربوط به کیفیت شهرسازی است تا بر اثر خود شهرنشینی. بدین سان احتمالاً مناطق بزهکاری در شهر وجود دارند (گسن، ۱۳۸۵). وی می افزاید: شهرنشینی با آهنگ شتابان گسترش می یابد و امکانات و تسهیلات زیر بنایی و اجتماعی شهری نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها تامین نمی شود در چنین شرایطی، زاغه ها و آلونک های حاشیه ای که از سوی مهاجران تازه وارد و تهیدستان بر پا شده، به وجود می آیند.

هیراسکار^۲ (۱۹۸۹) معتقد است که مناطق حاشیه ای^۳ بیش از سایر مناطق شهر مخفی گاه انواع فعالیت های غیرقانونی است و اغلب جرایم بیشتری نسبت به مناطق درونی شهر رو به رو هستند. از آنجا که خصوصیت ذهنی ساکنان مناطق حاشیه نشین کاملاً متأثر از محیط زندگی آنهاست، فرد حاشیه نشین معمولاً خصوصیات اخلاقی و ارزش های منحطی دارد از این رو به آسانی جذب فساد، بزهکاری، جرم و جنایت، فسق و فجور، میگساری و شرکت در فعالیت های مخفی مربوط به مواد مخدر می گردد.

امنیت فردی و امنیت اجتماعی

امنیت فردی در جامعه هنگامی تامین می شود که اولاً حقوق پایه ای و حیاتی فرد به رسمیت شناخته شود؛ و مبنای این رسمیت منشور ملی و قانون اساسی است. ثانیاً دفاع از این حقوق قانونی به صورت مصرح، نهادینه شده و ساختاری مورد پذیرش قرار گیرد. و تحت الشعاع علایق و سلاقی شخصی، حزبی و فکری قرار نگیرد. ثالثاً نهادها و نیروهای حراست کننده از حقوق اساسی افراد باید پاسخگو باشند؛ یعنی برای مدت معلوم و فقط برای مقطع زمانی مشخصی، نمایندگی مردم را داشته باشند و برای اعمال و تصمیمات خود پاسخگو باشند. رابعاً تدارک حقوق فردی نباید صرفاً حالت درمانی و پسینی داشته باشد بلکه نهادهای مسئول باید منابع تدارکاتی و اقدامات پیشگیرانه را در اولویت قرار دهند و به برخورد انفعالی با ناامنی های فردی اکتفاء نکنند.

نکته قابل بحث در امنیت فردی «حفظ معیشت، حیات و حرمت آدمی در مقام انسان است نه در مقام عضو یک حزب یا دارنده فلان مشخصه ویژه دینی، قومی، نژادی و سیاسی و غیره. همه اینای بشر- فارغ از هرگونه تعلق و تنوع- موضوع امنیت فردی هستند. از این رو در مفهوم امنیت فردی، مرجعیت امنیت، فرد انسانی است که در حیات خود از یکسو در معرض انواع تهدیدات و خشونت های فردی، گروهی و سازمانی و دولتی قرار دارد، و از سوی دیگر واجد استعدادهایی است که در

1. Gassin
1. Hirsaskar
3. Marginal

صورت تمهیدات نهادی و قانونی می تواند آن ها را عینیت بخشیده، منشاء آثار خیر واقع گردد» (نصری، ۱۳۹۰).

امنیت فردی به معنایی گفته می شود، که به ربط وثیقی با امنیت اجتماعی (جامعه ای) می پردازد؛ چرا که این افراد هستند که اعضاء و اجزای گروه های جامعه را تشکیل می دهند. گروه اجتماعی در عین اینکه شخصیت و دیدگاهی را به اعضای خود ارزانی می دارد، از دیدگاه و شخصیت اعضای خود نیز متأثر می شود. با این وصف، افراد قصد دارند بخشی از نیازهای مادی و فرامادی خود را از طریق گروه اجتماعی - که از موضوعات اساسی امنیت اجتماعی است تأمین نمایند بنابراین فرد انسانی، هم در آنجا که موضوع مخاطرات عمدی و قهری است و هم در آنجا که عضو یک گروه می شود، در شمول مبحث امنیت اجتماعی (جامعه ای) قرار می گیرد.

نظریه لیبرالی

این دیدگاه با آن که به برخی از ابعاد پدیده حاشیه نشینی توجه دارد، اما تحلیل ریشه ای از مساله به دست نمی دهد و بیشتر به بعضی جنبه های اجتماعی، فیزیکی و اقتصادی حاشیه نشینی تأکید دارد. تحلیل هایی که آنان از روابط اقتصادی کشورهای در حال توسعه ارائه می دهند، به طور عمومی براساس شناخت عوامل درونی است و از بیان تأثیرات متقابل عوامل برونی و درونی نظام اقتصادی و عملکرد روابط بین المللی اقتصادی کشورهای توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه پرهیز دارند.

نظریه مالتوسی

به عقیده این دانشمندان، فقر شدید گروه کثیری از افراد جامعه و پدیده حاشیه نشینی شهری که باعث بروز آسیب های اجتماعی مانند انواع بزهکاری ها، قتل و جنایت و سایر مشکلات اجتماعی کشورهای در حال توسعه می شود، به رشد جمعیت این کشورها نیز بستگی دارد. به عقیده مالتوسی های جدید، مسبب بیکاری و فقر و حاشیه نشینی، جمعیت بیش از حد است.

نظریه کلیت وابستگی و ساختارگرایان

نظریه پردازان و متفکران مکتب وابستگی و ساختارگرایان عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول پیشرفت اقتصادی کشورهای توسعه یافته کنونی می دانستند که به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می یابد و عدم تعادل های ساختاری جامعه شدت می یابد و برآیند عملکرد توسعه وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه

های حاشیه نشین شهری است. گندورفرانک بر این باور است که کشور های توسعه نیافته در صورت وابستگی به کشورهای سرمایه داری که در آن بازارهای وسیع مبتنی بر افزایش مداوم و تولید انبوه، مصرف و ادغام در بازارهای جهانی شکل گرفته، نمی توانند مسیر و فرآیند مستقل، یعنی توسعه درون زا را آغاز کنند.

مانوئل کاستل درباره ی گروه های حاشیه ای در شهرهای در حال توسعه می گوید: شهر نشینی با آهنگ شتابنده ای گسترش می یابد و امکانات و تسهیلات زیربنایی و اجتماعی شهری نیز متناسب با افزایش جمعیت شهرها تامین نمی شود و در اثر کمبود تسهیلات زیربنایی اجتماعی و فیزیکی، سکونت گاه ها و محله های نامتعارف از قبیل زاغه ها و آلونک های حاشیه ای که از طریق مهاجران تازه وارد و تهی دست برپاشده به وجود می آیند.

از دیدگاه اندیشمندان مکتب جامعه گرا و جامعه گرایان جدید، حاشیه نشینی و پیدایش گروه های حاشیه ای و فقیر در جامعه های شهری کشورهای در حال توسعه، ناشی از عملکرد روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه است. نتیجه قهری عملکرد قوانین حاکم بر نظام اقتصادی و سرمایه داری، تمرکز و انباشت سرمایه، رشد نامتعادل اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی است. بنابراین در جریان تحولات ناهماهنگ جامعه سرمایه داری، بروز تضادها و مشکلات اجتماعی از جمله پیدایش حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ اجتناب ناپذیر است.

رویکردهای امنیت اجتماعی

سازه امنیت و اشکال متنوع آن چون امنیت اجتماعی، امنیت جامعه ای، امنیت محلی و ملی از منظر رویکردهای مختلف معرفتی و روش شناختی در سطور قبل مورد بررسی قرار گرفته است. هریک از این رویکردها درک متفاوتی از تهدیدها، ناامنی ها، مرجع امنیت دارند، بر این اساس به طور مختصر روش مطالعه امنیت را در هریک از رویکردها در سطور ذیل اشاره می کنیم.

رویکرد اثباتگرایی برای مفاهیم و سازه های اجتماعی امنیت بیشتر وجوه عینی را مورد ارزیابی قرار می دهد، زیرا رویکرد مورد نظر، مبتنی بر نگاه تجربی است. اثباتگرایان تمایل دارند که مسائل را با روش های علمی که در سایر علوم طبیعی معمول است، مطالعه نمایند (تریف، ۱۹۹۹ به نقل از عسگری، ۱۳۸۲: ۳۸۷). به نظر اثبات گرایان وظیفه دولت مردان، ایجاد شرایطی است که این تمایل را محدود سازد. بنابراین آن ها در نظام بین المللی د و داخلی بر توازن قدرت به عنوان مهمترین سازوکارهای برقراری امنیت تأکید می کنند. اما در عرصه داخلی، دولت مرجع فائقه مرکزی است و قدرت را در اختیار دارد تا شهروندانش را از تهدیدهای داخلی و خارجی حفظ نماید. به تعبیر ماکس وبر، دولت حق انحصاری استفاده از زور را در اختیار دارد. «برداشت عقلانی واقع گرایان از

امنیت، بر دو فرض استوار است. نخست؛ تحلیل گران و دولتمردان می توانند به واقعیت ها مستقل موجود دسترسی یابند؛ بنابراین، توزیع قدرت به صورت واقعی یا عینی، قابل محاسبه است و در نتیجه تهدیدهایی که امنیت دولت را با خطر مواجه می سازند، دقیقاً قابل شناسایی هستند. دوم برقراری امنیت در گرو امنیت بخشی دولت ها در برابر تهدیدات عینی و خارجی است» (شفر و ویلدز، ۲۰۰۸: ۵۳۰ به نقل از غفاری، ۱۳۹۰).

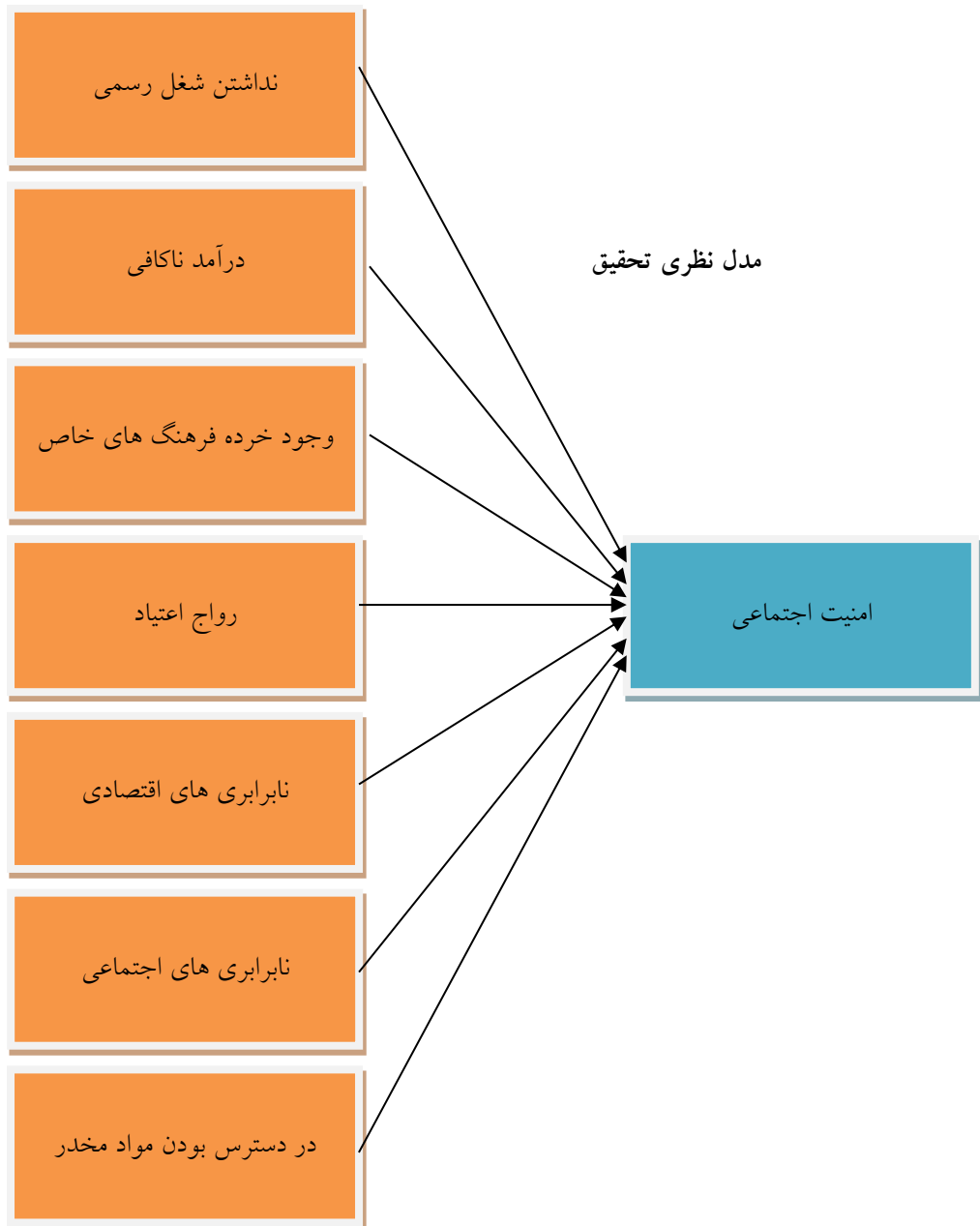
رویکرد فرا اثباتی، مایه اندیشه نئو واقع گرایان بوده، به تهدیدها و ناامنی از منظر دیگری می نگرند. برای مثال «بوزان و همکارانش در توضیح امنیتی سازی تأکید می کنند که بجز در مواردی که تهدید، آشکار و فوری باشد هیچ سنجه عینی وجود ندارد که روشن نماید، آیا یک موضوع، تهدید امنیتی است یا نه. هم چنین ملت های متفاوت برای تعریف تهدید، آستانه های متفاوتی دارند. آن ها در عوض، این پدیده را بین ذهنی می دانند، بین ذهنی بودن امنیت، به این معنی است که در ارتباط بازیگر امنیتی سازی و مخاطب او ساخته می شود. بنابراین چنانچه بازیگر امنیتی ساز پدیده را امنیتی نماید و مخاطب او نیز آن را بپذیرد، آن پدیده امنیتی شده است» (بوزان، ۱۳۸۶).

رویکرد انتقادی با نقد رویکرد اثباتی و وضعیت محافظه کار آن، بر عنصر تغییر و رهایی تأکید می نهد. «این رویکرد، موضعی رهایی بخش در پیش می گیرد و گزینه ای هنجاری به سود یک نظم اجتماعی متفاوت، عرضه می دارد. در حوزه امنیت به دو دسته نظریه انتقادی اشاره می کند، نخست، آن دسته از محققینی که خود را نظریه پرداز انتقادی می دانند. این دسته بیشتر به موضع برساخت تهدید، مرجع های امنیت و تغییر محیط امنیت، اختصاص می یابند. ویژگی اصلی آن ها، توجه شان به ساخت اجتماعی امنیت است و گفتمان های تهدید را بررسی و نقد می کنند. دسته دوم، گروه هایی هستند که الزاماً خود را در قلمرو نظریه انتقادی قرار نمی دهند، اما به موضوعاتی مانند

برساخت امنیت و امنیت سازی
می پردازند» (تریف و همکاران، ۱۳۸۳). با این وجود عنوان می گردد که رهیافت انتقادی، به رغم روشنگری ها و نوآوری هایی که در حوزه مختلف علوم اجتماعی داشته است، اما با این انتقاد مواجه هستند که تحلیل گران بیش از آنکه در پی تشریح، معرفی و تبیین موضع خود باشند، علاقمند به لفظ جدلی هستند و در ارائه راهکارهای عملی، برای برقراری نظم بیرونی و تنظیم مناسبات اجتماعی، عاجزند.

رویکرد برساخت گرایی، مفروضات اثبات گرایی مردود هستند، آن ها به جای آنکه بر خرد تأکید کنند، بر ساخت و پرداخت آگاهی و شناخت توجه می کنند. «آن ها استدلال می کنند که چون موضوعات مطالعه افراد استو مانند اشیاء نیستند، بلکه جهان را می فهمند و برای اعمالشان معنی

دارند، از این رو، نمی توان با آن ها به صورت اشیاء رفتار کرد. واقعیت از نظر این رویکرد، شناخت و آگاهی ساخته و پرداخته شده در اجتماع است. بنابراین هیچ واقعیت عینی وجود ندارد، بلکه تنها حقیقت هایی داریم که اجتماع آن ها را تعریف کرده است. در نتیجه برای تجربه گرایی نقشی باقی نمی ماند. زیرا مشاهده گر و امر مورد مشاهده، نمی توان هیچ تفکیک و تمایزی گذاشت. در جهانی که ساخته و پرداخته اجتماع است، روش ها نیز بافت مند و تابع مقتضیات هستند و بنابراین، فرهنگ و ارزش های خاص، آن ها را شکل می دهد» (عبداله خانی، ۱۳۸۵).



فرضیه های تحقیق

- ۱- به نظر می رسد بین نداشتن شغل رسمی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.
- ۲- به نظر می رسد بین درآمد ناکافی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.
- ۳- به نظر می رسد بین وجود خرده فرهنگ های خاص در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.
- ۴- به نظر می رسد بین رواج اعتیاد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.
- ۵- به نظر می رسد بین نابرابری های اقتصادی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.
- ۶- به نظر می رسد بین نابرابری های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.
- ۷- به نظر می رسد بین در دسترس بودن مواد مخدر در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق پیمایشی استفاده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از معمولی ترین و متداول ترین وسیله جمع آوری اطلاعات در حیطه ی علوم انسانی، همانا پرسشنامه استفاده شده است.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را ساکنین مناطق حاشیه نشین چهارطاقی، سنگ اشکن، رشید آباد و نظام آباد شهرستان جهرم ۱۳۹۴ تشکیل می دهند. طبق آماری که از فرمانداری شهر جهرم اخذ شده، تعداد ساکنین مناطق حاشیه نشین مورد مطالعه ۹۳۵۰ نفر می باشد.

برآورد حجم نمونه

حجم نمونه در این پژوهش برای انتخاب ساکنین مناطق حاشیه نشین از فرمول کوکران به دست آمده است. که طبق فرمول کوکران حجم نمونه معادل ۳۶۸ نفر بوده است.

روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است.

روایی و پایایی

آلفای پرسشنامه (۳۵ پرسشنامه) متغیر وابسته (امنیت اجتماعی) ۷۸ درصد و آلفای پرسشنامه به‌طور کلی ۸۱ درصد بدست آمد.

آزمون‌های آمار استنباطی

فرضیه اول تحقیق: به نظر می‌رسد بین نداشتن شغل رسمی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

جدول شماره ۱: آزمون آنالیز واریانس یک طرفه بین نداشتن شغل رسمی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
نداشتن شغل رسمی افراد	میان گروهی	۰/۰۰	۴	۰/۰۸۲	۰/۰۶۴	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۶۷/۰۰۰	۳۶۳	۱/۰۰۰		
	کل	۴۶۷/۰۰۰	۳۶۷			

بر اساس نتایج حاصله از آزمون تحلیل واریانس بین نداشتن شغل رسمی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان، تفاوت معناداری وجود دارد لذا فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم تحقیق: به نظر می رسد بین درآمد ناکافی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

جدول شماره ۲: آزمون آنالیز واریانس یک طرفه بین درآمد ناکافی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری
درآمد ناکافی افراد	میان گروهی	۹/۰۰۰	۴	۲/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۵۷/۰۰۰	۳۶۳	۱/۰۰۰		
	کل	۴۶۷/۰۰۰	۳۶۷			

بر اساس نتایج حاصله از آزمون تحلیل واریانس بین درآمد ناکافی افراد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان، تفاوت معناداری وجود دارد لذا فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تایید قرار می گیرد.

فرضیه سوم تحقیق: به نظر می رسد بین وجود خرده فرهنگ های خاص در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین وجود خرده فرهنگ های خاص در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
وجود خرده فرهنگ های خاص	ضریب همبستگی	۰/۰۸۹
	سطح معناداری	۰/۰۸۸
	تعداد	۳۶۸

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می شود بین وجود خرده فرهنگ های خاص در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری برقرار نیست. بنابراین فرضیه فوق مورد تایید قرار نمی گیرد.

فرضیه چهارم تحقیق: به نظر می رسد بین رواج اعتیاد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین رواج اعتیاد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
رواج اعتیاد	ضریب همبستگی	-/۰۰۲
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۶۸

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می‌شود بین رواج اعتیاد در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری با احتساب ضریب همبستگی $-/۰۰۲$ برقرار است. بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. فرضیه پنجم تحقیق: به نظر می‌رسد بین نابرابری های اقتصادی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین نابرابری های اقتصادی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
نابرابری های اقتصادی	ضریب همبستگی	-/۰۷۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۶۸

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می‌شود بین نابرابری های اقتصادی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری با احتساب ضریب همبستگی $-/۰۷۶$ برقرار است. بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. فرضیه ششم تحقیق: به نظر می‌رسد بین نابرابری های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی پیرسون بین نابرابری های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
نابرابری های اجتماعی	ضریب همبستگی	-/۰۲۶
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۶۷

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می شود بین نابرابری های اجتماعی در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه معناداری با احتساب ضریب همبستگی $-/۰۲۶$ برقرار است. بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد.

فرضیه هفتم تحقیق: به نظر می رسد بین در دسترس بودن مواد مخدر در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان رابطه برقرار است.

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین در دسترس بودن مواد مخدر در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان

متغیر	همبستگی پیرسون	آماره همبستگی
در دسترس بودن مواد مخدر	ضریب همبستگی	-/۰۴۵
	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۶۸

همانگونه که در جدول ضریب همبستگی پیرسون مشاهده می شود بین در دسترس بودن مواد مخدر در مناطق حاشیه نشین و امنیت اجتماعی شهروندان با احتساب ضریب همبستگی $-/۰۴۵$ رابطه معناداری برقرار است. بنابراین فرضیه فوق در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد.

رگرسیون

جدول شماره ۸: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون اثرات حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان

Enter =Method	روش ورودی متغیرها
R=۰/۶۹۳	ضریب همبستگی چندگانه
R2=۰/۸۳۲ a	ضریب تعیین
R2 adj=۰/۶۸۷	ضریب تعیین تعدیل یافته
S.E=۰/۵۵۵۴۹	خطای معیار
ANOVAa=۰/۲۵۴/۷۶۸	تحلیل واریانس
۰/۰۰۰ b=Sig	سطح معناداری

همانگونه که در جدول آزمون تحلیل رگرسیون مشاهده می‌شود متغیرهای موثر توانسته‌اند بر امنیت اجتماعی شهروندان با ضریب تعیین 0.832^a درصد تغییرات موجود را پیش بینی کنند. به عبارتی متغیرهای مستقل موثر توانسته‌اند به اندازه 0.832^a درصد از تغییرات مربوط به امنیت اجتماعی شهروندان را تبیین کنند و مابقی تاثیرات ناشی از متغیرهایی است که در این تحقیق لحاظ نشده است.

جدول ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون اثرات حاشیه نشینی بر احساس امنیت اجتماعی شهروندان

سطح معناداری	T مقدار	beta	S.E	b	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۱۳/۹۶۷		۰/۳۹۰	۵/۴۴۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۲۵/۰۶۰	۰/۷۶۸	۰/۰۳۲	۰/۸۰۶	نداشتن شغل رسمی افراد
۰/۰۰۱	۳/۵۰۷	۰/۱۱۹	۰/۰۲۳	۰/۰۸۰	درآمد ناکافی افراد
۰/۲۰۹	۱/۲۵۸	۰/۰۴۴	۰/۰۲۷	۰/۰۳۴	وجود خرده فرهنگ های خاص
۰/۰۰۰	-۴/۷۴۴	-۰/۳۰۱	۰/۰۵۱	-۰/۲۴۲	رواج اعتیاد در مناطق
۰/۰۰۰	۶/۹۲۴	۰/۰۶۴۱	۰/۰۶۹	۰/۴۷۷	نابرابری های اقتصادی
۰/۰۰۰	-۷/۰۸۶	-۰/۶۵۶	۰/۰۶۴	-۰/۴۵۱	نابرابری های اجتماعی
۰/۰۰۴	۲/۹۰۴	۰/۱۸۲	۰/۰۴۸	۰/۱۳۹	در دسترس بودن مواد مخدر

همانگونه که در جدول تحلیل رگرسیون مشاهده می‌گردد متغیر نداشتن شغل رسمی افراد با بتای 0.768 درصد و متغیر درآمد ناکافی افراد با بتای 0.119 درصد و متغیر رواج اعتیاد در مناطق با

بتای ۳۰۱- درصد و متغیر نابرابری های اقتصادی با بتای ۰/۶۴۱ درصد و متغیر نابرابری های اجتماعی با بتای ۰/۶۵۶- درصد و متغیر در دسترس بودن مواد مخدر با بتای ۰/۱۸۲ درصد بر امنیت اجتماعی شهروندان تاثیرگذار است. که بیشترین تأثیر را نداشتن شغل رسمی افراد داشته است.

بحث و نتیجه گیری

حاشیه نشینی به عنوان مقوله ای چند وجهی بر بستری از تعاملات حاصل از تأثیر و تأثرات از مؤلفه های متعدد ظاهر می شود. حاشیه نشینی رامیتوان یک نوع محرومیت خواند. آنچه محرومیت ها را به وجود می آورد و موجب رشد روزافزون آن می شود، فراموش کردن اقشار ضعیف، در برنامه ها، برنامه ریزی ها و ضعف مدیریت در تشخیص درست، به هنگام و ارایه ی راه حل مناسب و سودبخش برای آحاد جامعه می باشد، این پدیده یک مسأله ای اجتماعی است و برای درک آن باید دیدگاهی جامع نگر داشت. حاشیه نشینی یک معضل کلان شهری است که نشان دهنده ضعف در ساختار اجتماعی و فضاهای زندگی غیررسمی و نامتعارف شهری، بازتاب فضای بیمارگونه اقتصاد، مدیرتی شهری ضعیف، ناکارآمدی برنامه ریزی فضایی - منطقه ای و بی عدالتی های اجتماعی - اقتصادی در سطوح ملی، استانی و محلی است.

نتایج تطبیقی با چهارچوب نظری تحقیق

همانگونه که از آزمون های آماری بر می آید کلیه فرضیه های اول و دوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم همسو و هم جهت با پیشینه تحقیق که توسط حاج علی یوسفی (۱۳۵۱) و علوی یزدی (۱۳۸۲) و صالحی میرزای جرانی (۱۳۸۴) و غلامرضا لطیفی (۱۳۶۰ و ۱۳۷۲) و . . . می باشد. اما فرضیه سوم تحقیق همسو هم جهت با تحقیقات باقری (۱۳۶۷) نمی باشد.

راهبردهای پیشگیری

سیاست ها و اقدامات پیشگیرانه ای که اتخاذ آن در مناطق حاشیه نشینی به سلامت محیط اجتماعی این مناطق و کاهش نرخ جرم و آسیب های اجتماعی می انجامد عبارتند از:

۱- بهسازی و نوسازی بافت های روستایی با هدف کاهش انگیزه مهاجرت روستا به شهر.

۲- کنترل رشد جمعیت و ساماندهی آن

- ۳- اصلاح ساختار نظام شهری و رفع کاستی های موجود در قوانین و نهادهای برنامه ریزی.
- ۴- ارتقاء کیفیت و سطح خدمات رسانی به گروه های آسیب پذیر و اقشار کم درآمد.
- ۵- ساماندهی وضع اشتغال و رفع بیکاری ساختاری حاشیه نشینان
- ۶- ارتقاء نرخ سواد و فرهنگ شهرنشینی ساکنین محلات حاشیه نشین
- ۷- توزیع عادلانه امکانات و خدمات شهری بین شهروندان و حاشیه نشینان
- ۸- جلوگیری از تمرکز فعالیت های اقتصادی در شهرها و انتقال آن به شهرهای کوچک و مناطق دیگر.
- ۹- کاهش ضریب احساس محرومیت در میان حاشیه نشینان
- ۱۰- ساماندهی محلات حاشیه نشینی با محوریت رفع محرومیت ها و فرهنگ فقر حاکم بر آن.
- ۱۱- جلوگیری از گسترش ساخت و سازهای غیر مجاز در مناطق حاشیهای شهر.
- ۱۲- به رسمیت شناختن حقوق شهروندی ساکنان مناطق حاشیه نشین در برنامه ریزی های مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی.
- ۱۳- افزایش تدابیر امنیتی، نظارتی و رسیدگی مستمر نهادها از محلات حاشیه نشینی
- ۱۴- توانمندسازی محلات حاشیه نشینی و اجرای طرح واکسیناسیون محیطی و اجتماعی در مقابل جرم و آسیب های اجتماعی، تامین امنیت و عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری های اقتصادی و فرهنگی در بین قشرهای مختلف جامعه و مناطق مختلف کشور.

منابع

- شکوئی، حسین (۱۳۶۵) جغرافیای اجتماعی شهرها، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱) به سوی نظریه‌ای برای سازماندهی اسکان غیررسمی، فصلنامه هفت شهر، شماره هشتم، تهران: انتشارات سازمان عمران و بهسازی .
- گسن، ریموند (۱۳۸۵) جرم شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۷) مطالعه و بررسی مناطق حاشیه نشینی و توانمند سازی آن در شهر گرگان، گرگان: شهرداری گرگان.
- مهاجرین، رضا (۱۳۸۷) تأثیر حاشیه نشینی بر میزان بزهکاری در کلان شهرها، تهران: انتشارات جنگل.
- نصری، قدیر (۱۳۸۵) روش و نظریه پردازی در امنیت پژوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸) مردم، دولت ها و هراس، چاپ اول، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران، (۱۳۸۳). مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۵). بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم، صص. ۴۹۱-۵۱۱. قابل دسترس در www.sid.ir.
- غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

کرافت، استوارت، تری، کریفت، (۱۳۸۱). چرخش بسوی پست پوزیتویسم، ترجمه علیرضا طیب، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، صص. ۳۸۲-۳۵۹. قابل دسترس در www.sid.ir.

نصری، قدیر، (۱۳۸۱) معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک قابل دسترس در www.noormages.com

- Anselin, L. (2000) Spatial Analysis of crime, National Institute of Justice (NIJ) [http: www.nij.com](http://www.nij.com)